

متن پرسش

سلام حضرت استاد: وقتتان بخیر. اینکه می‌گویند مردها از زنانی که بیشتر از خودشان می‌دانند بدشان می‌آید چقدر مبنای عقلی دارد؟ عقل من می‌گوید هوای نفسشان هست ولو بیشتر مردان جامعه چنین تفکری داشته باشند، روحانی‌ای می‌گفتند چون زنان تکیه کردن به مردان را دوست دارند در علم و معرفت هم همینطور است و این به روایات نزدیک است ولی من می‌گویم اگر این طور بود شما می‌فرمودید در دوران مجردی به اندازه‌ای یاد بگیرید که از مردان جامعه جلو نیفتید یا قرآن و روایات حد معین می‌کرد. انسان سلیم النفس دوست دارد با کسی طرح دوستی بریزد که کمالات زیادی دارد تا زودتر به لقای حق نائل شود ولو آن دوست یک زن باشد. درست است دیدگاه من حضرت استاد؟ ۲- چرا عقل برترین موجدی است که خداوند خلق کرده؟ در صورتی که در قلب که مقام فوق مجرد عقلی دارد خدای با آن عظمت جای می‌گیرد؟ عقل فقط نقش راهنما دارد و جلوتر حرکت می‌کنند می‌گویم نقش کمی است ولی برایم سوال شده. ۳- من وقتی تصور می‌کنم می‌خواهم عالم به اسما الهی شوم به راحتی گناه نمی‌کنم و مستحبات و مکروهات را رعایت می‌کنم چون فکر می‌کنم شان خلیفه الله گناه کردن و خود نمایی و تفاخر نیست، ولی روحانیون عزیز بعضاً یک نگاه عاقل اندر سفیه می‌کنند و شروع به اندرز می‌کنند تازه خیلی خویشتنداری می‌کنند گناهان را تذکر نمی‌دهند. ولی من به همه می‌گویم ما آمده ایم تا به شهود حق برسیم فکر می‌کنم این نقشه شیطان است که می‌خواهد ما را حقیر جلوه دهد از آدم حقیر فقط کار حقیر سر می‌زند. من دنبال کشف و شهود نیستیم من اعتماد بنفس کاذب دارم حضرت استاد؟ و حق با بقیه است؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- فکر نمی‌کنم این ادبیات درستی باشد که مردان از زنانی که بیشتر از خودشان می‌دانند، بدشان می‌آید ۲- منظور از عقلی که در روایت مورد نظر هست، عقلی است که شامل قلب هم می‌شود که به آن عقل قدسی و یا عقل محمدی «صلوات‌الله‌علیه‌وآله» می‌گویند ۳- بسیار رویکرد خوبی در این مورد دارید و اتفاقاً روایات هم همین را تأکید می‌کنند که انسان وقتی خود را حقیر دید به گناه دست می‌زند. موفق باشید